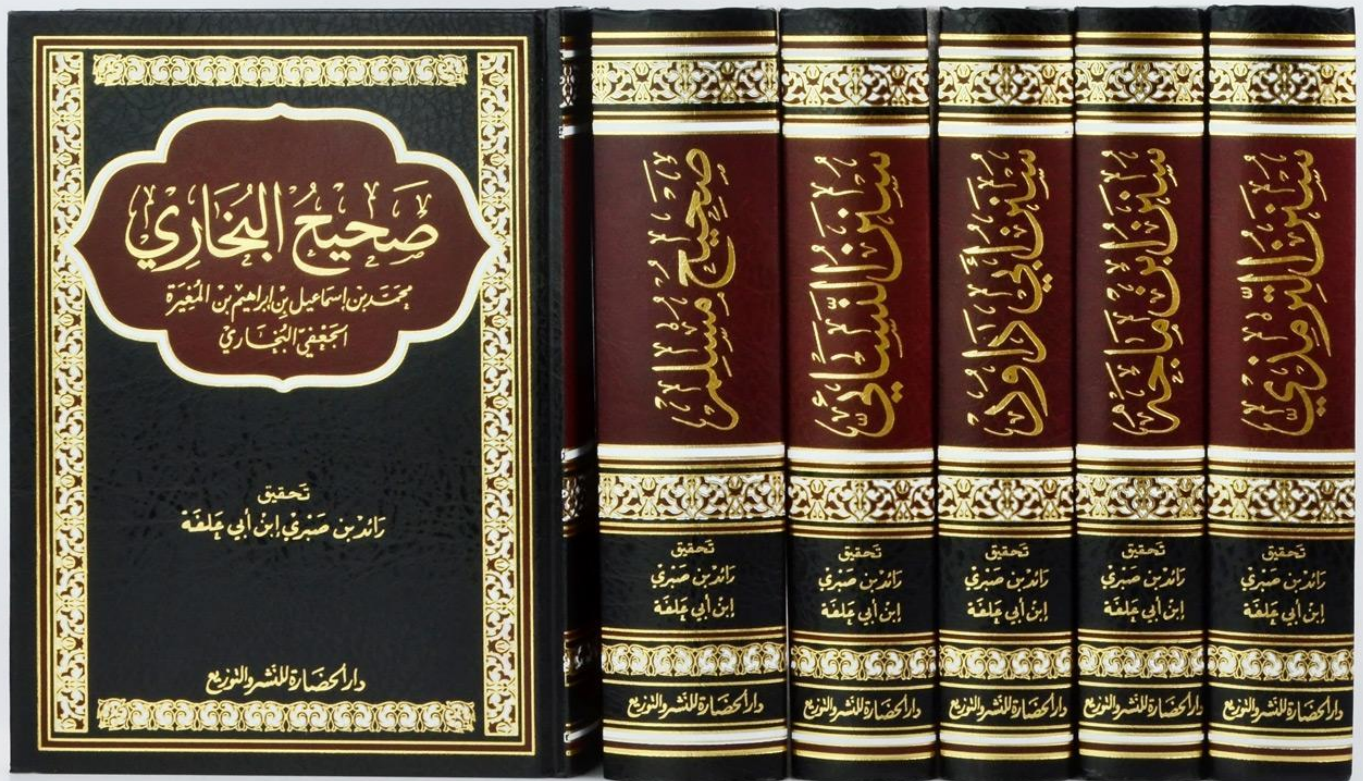


آن سوی کمتر دیده شده اهل حدیث

شریف محمد جابر | عبدالله شیخ آبادی



آن سوی کمتر دیده شده اهل حدیث |

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آن سوی کمتر دیده شده اهل حدیث

هدف از این نوشته تغییر تصویر کلیشه‌ای جا افتاده درباره اهل حدیث است، زیرا در محیط‌هایی که مردم نمی‌خوانند و جستجو نمی‌کنند و تنها به نوشته‌های تبلیغاتی سطحی اکتفا کرده و آن را می‌پذیرند این جا افتاده که اهل حدیث یعنی کسانی که به جمع‌آوری و حفظ احادیث پیامبر- صلی الله علیه وسلم- مشغول بوده‌اند، کاری جز حفظ مجرد و بدون فهم این احادیث نداشته و کتاب‌هایشان انبار حدیث است و بس، بی‌آنکه تلاشی در راه بررسی و تحقیق آن و فهم قرآن داشته باشند. اینجا به بیان نمونه‌هایی خواهم پرداخت که صاحبان این فهم سطحی اطلاعی نسبت به آن ندارند. تصویری

آن سوی کمتر دیده شده اهل حدیث |

که نشانگر چهره‌ای کاملاً متفاوت با کلیشه‌های منتشر شده در مجامع غیر علمی دارد.

آیا امام احمد صرفاً یک گردآورنده حدیث بود؟

بعضی گمان می‌کنند امام احمد کاری جز جمع‌آوری احادیث انجام نداده. که البته همین نیز کاری بزرگ و شریف است. اما ما می‌دانیم که این امام کتاب‌ها و رسائل و مسائلی از علوم گوناگون دارد که از وی نقل شده مانند فقه و فتاوی، زهد و ورع و فضائل، تصنیفات حدیثی متخصص در یک موضوع مانند اشربه، علم رجال و عقاید و دیگر علوم که بیشتر این کتاب‌ها و رسائل به فضل پروردگار موجود و در دسترس است. وقتی این را می‌خوانی که امام معروف حدیث، مسدد بن مسرهد مسائلی که در آن دچار اشکال بوده از جمله در باب قدر و رفض و اعتزال و خلق قرآن و ارجاء را به امام احمد به حنبلی می‌نوشته تا از وی پاسخ گیرد خواهی فهمید در برابر امام عالم بزرگی قرار داری که مردم برای شناخت پیچیده‌ترین قضایای مطرح شده در میان نخبه‌های آن دوران به نزد وی می‌رفتند. امام فقیه محدث ابوداود، صاحب

آن سوی کمتر دیده شده اهل حدیث |

سنن نیز از امام احمد مسائل بسیاری در زمینه فقه روایت کرده که در یک کتاب گردآوری شده است. این نیز نشان می‌دهد امام احمد یک فقیه مجتهد صاحب رای بوده که اهل فقه و جویندگان این علم به قصد شناخت این علوم به نزد وی می‌رفتند.

امام بخاری... فقیه حاذق

یکی از اوهام منتشر شده این است که فکر می‌کنند «صحیح بخاری» تنها کتابی است حاوی احادیثی که امام بخاری حکم بر صحت آن داده است. اما در حقیقت صحیح بخاری بیش از این است. فقه و فهم با ارزشی در صحیح بخاری وجود دارد که می‌توان از نام ابواب صحیح بخاری استنباط کرد، ابوابی که بخاری احادیث صحیحش را بر اساس آن تقسیم‌بندی کرده است. همین‌طور این نام‌گذاری‌ها گاه پاسخی است به آرای منتشره در آن دوران. وی همچنین آیات کتاب الله را در استدلال‌های خود مقدم داشته است، چه این آیات برای استدلال باشد یا به عنوان بخشی از نام یک باب. وی سپس برای

آن سوی کمتر دیده شده اهل حدیث |

تبیین مجمل یک آیه احادیث را ذکر می‌کند، همانگونه که الله تعالی خطاب به پیامبرش می‌فرماید:

{وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ} [نحل: ۴۴]

(و این ذکر (قرآن) را به سوی تو نازل کردیم تا برای مردم آنچه را به سوی آنان نازل شده توضیح دهی).

برای مثال نگاهی بیندازید به «کتاب ایمان» در صحیح امام بخاری. چگونه ایشان تعریف ایمان را اینگونه آغاز کرده که آن «گفتار است و کردار، و زیاد و کم می‌شود» سپس آیات دال بر این مساله را آورده به همراه بخشی از سخنان سلف از صحابه و تابعین، و برای پاسخ به کسانی که عمل را از دایره ایمان خارج می‌دانند بابی دارد تحت عنوان «باب کسی که می‌گوید ایمان همان عمل است؛ زیرا الله تعالی می‌فرماید: {وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ} (و این همان بهشتی است که به پاداش آنچه می‌کردید میراث یافتید) و گروهی از اهل علم درباره این سخن الله متعال که می‌فرماید:

آن سوی کمتر دیده شده اهل حدیث |

{فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (۹۲) عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ} (پس سوگند به

پروردگارت که از همه آنان خواهیم پرسید (۹۲) از آنچه که انجام می دادند) را

درباره گفتن لا اله الا الله دانسته اند و فرموده: {لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ}

(برای چنین [پاداشی] باید کوشندگان عمل کنند)». ایشان همین روش را در

آغاز همه کتاب های صحیح خود انجام داده، به این صورت که نخست آیات را

می آورد و سپس به بیان احادیث وارده در ابواب مختلف و در چارچوب همان

باب می پردازد. بنابراین اشتباه است که گمان کنیم ایشان صرفاً یک جمع آوری

کننده حدیث بوده، بلکه ایشان کتاب الله و سنت پیامبر - صلی الله علیه وسلم

- را که تبیین قرآن است گرامی می داشتند و روش علمی شان تکیه بر این دو

منبع برای بیان حقیقت اسلام بوده است.

امام مسلم و بیان حقیقت ایمان

همان چیزی که در مورد امام بخاری بیان شد را می شود درباره امام مسلم

نیشابوری نیز تکرار کرد. ایشان در صحیح خود چند روایت را از فرستادگان

عبدالقیس روایت کرده که از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - درباره ایمان و

آن سوی کمتر دیده شده اهل حدیث |

برخی موارد دیگر پرسیدند و همینطور چند روایت حدیث «اسلام بر پنج [اساس] بنا شده است». کسی که از فقه و فهم حدیث نصیبی ندارد شاید گمان کند که وی بدون هدف واضحی در حال تکرار یک روایت است، اما منظور امام مسلم از این کار بیان اختلاف الفاظ روایات است، که اختلافی است با ارزش و ما را به معنای ایمان به الله و معنای اسلام راهنمایی می‌کند که ایمان همان اسلام و همان توحید است. زیرا در برخی روایات فرستادگان عبدالقیس تعریف ایمان به این صورت آمده است: «ایمان به الله، سپس آن را برایشان اینگونه تفسیر کرد: شهادت به اینکه معبودی جز الله نیست و اینکه محمد فرستاده الله است» و در روایت دیگر: «الله را عبادت کنید و به او چیزی شریک نیاورید». اما در روایت تعریف ارکان اسلام، در تعریف رکن اول در روایتی آمده است: «بر آنکه الله را یگانه بدارد». و در روایتی دیگر: «بر اینکه الله را عبادت کند و به آنچه جز اوست کفر بورزد». و در روایت دیگر: شهادت به اینکه معبودی [به حق] جز الله نیست و اینکه محمد بنده و پیامبر اوست». حاصل این روایات این است که ایمان همان اسلام است، همان شهادت به لا اله الا

آن سوی کمتر دیده شده اهل حدیث |

الله و به اینکه محمد بنده و پیامبر اوست، یعنی همان عبادت الله به تنهایی و بدون شریک، و یعنی همان توحید. و همه این الفاظ اگر یکی از آنها به تنهایی بیاید متضمن و مستلزم دیگر الفاظ است، و هر که به کتاب الله مراجعه نماید قضیه را کاملاً به همین صورت خواهد یافت که این نشانگر دقت این راویان است که هر چه را از دین خداوند می فهمیدند به معنا نقل می کردند.

سنن ابی داوود، مقصدگاه فقیهان

سنن ابوداود سجستانی چنانکه علما می گویند کتابی است بی سابقه. این کتاب اساساً به طور تخصصی در زمینه احکام تالیف شده و بر اساس ابواب فقهی مرتب شده است. چیزی که همچنین باعث ویژه بودن این کتاب است، جمع آوری احادیثی است که فقهای سرزمین های اسلامی به آن استدلال می کردند و خود نشان دهنده معرفت فقهی عمیق ابی داوود و نشانگر آشنایی وی با اقوال فقها است. آنچه نشانگر صنعت و هنر فقهی در این کتاب است، تمایل به اختصار برخی از احادیث و اکتفا به همان موضع استدلال

آن سوی کمتر دیده شده اهل حدیث |

است. خود امام ابوداود در «نامه‌ای به اهل مکه» به بیان روش خود در این کتاب پرداخته.

در این نامه آمده است: «گاه شاید حدیث طولانی را مختصر کنم، زیرا اگر آن را کامل بنویسم ... موضع فقه در آن فهمیده نمی‌شود، بنابراین آن را مختصر کرده‌ام». و می‌گوید: «اما این مسائل، مسائل ثوری و مالک و شافعی، این احادیث اصول آن است» و در بیان ارزش کتاب سنن می‌گوید: «پس از قرآن چیزی را برای مردم لازم‌تر از تعلیم این کتاب نمی‌دانم و کسی پس از نوشتن این کتاب زیانی نمی‌بیند اگر چیزی دیگر ننویسد و اگر در آن نظر کند و اندیشه کند و بفهمد ارزش آن را خواهد دانست». کسی که خواهان شناخت روش علمی ابوداود در کتاب «سنن» است باید نامه او به اهل مکه را بخواند.

نبوغ امام ابن حبان

نمی‌توانم شگفتی خود را نسب به این امام نابغه پنهان کنم. کسی که گمان می‌کنم نبوغ و تلاش علمی او هنوز بر بسیاری از علما و متخصصان - تا چه

آن سوی کمتر دیده شده اهل حدیث |

رسد به غیر متخصصان. پوشیده مانده است. این نبوغ در کتاب وی «المسند الصحيح على التقاسيم والأنواع من غير وجود قطع في سندها ولا ثبوت جرح في ناقلها» که به نام «صحيح ابن حبان» معروف است نمود می یابد. زیرا ایشان این کتاب را به روشی بی سابقه تالیف نموده آنطور که کتاب خود را به روش اصولی جمع آوری و تقسیم بندی کرده است. وی احادیث کتابش را که بالغ بر ۷۴۴۷ حدیث است بر پنج بخش تقسیم کرده است: «اوامر، نواهی، اخبار، اباحات، و افعال» سپس هر کدام را به ده ها نوع اصولی تفصیلی. وی اوامر را بر ۱۱۰ نوع، نواهی را بر ۱۱۰ نوع، اخبار را بر ۸۰ نوع، اباحات را بر ۵۰ نوع و افعال را نیز بر ۵۰ نوع تقسیم بندی کرده است. به این ذهنیت اصولی دقت کنید که چگونه به احادیث پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بر حسب بخش بندی اصولی نگریسته و به این تلاش دشوار بنگیرد که ۷۴۴۷ حدیث را بر ۴۰۰ نوع اصولی دسته بندی کرده است که برخی از این انواع اختلاف خیلی کم و دقیقی با یکدیگر دارند. این نشان می دهد ما در برابر یک امام مجتهد بزرگ ایستاده ایم.

آن سوی کمتر دیده شده اهل حدیث |

اکنون نمونه‌های از سخنان ابن حبان را در مقدمه کتابش برای خواننده ذکر می‌کنم تا به مضمون این انواع پی ببرد، برای مثال از انواع اوامر: «نوع سوم: لفظ امر که مخاطبان به آن در برخی احوال امر شده‌اند نه در کل [شرایط]» و از انواع نواهی: «نوع چهارم: نهی از چیزی که همان بیان مُجَمَّل خطاب در کتاب و برخی از عموم سنن است» و از نوع اخبار: «نوع سی و هفتم: آگاه کردن او صلی الله علیه و سلم از چیزی با ایمای مفهوم بدون نطق با زبان». و از انواع اباحات: «نوع چهل و ششم: اباحه یک چیز ممنوع با لفظ عموم هنگام اتفاق یک سبب» و از جمله افعال: «نوع هفتم: کاری که پیامبر-صلی الله علیه و سلم فقط یک بار برای آموزش انجام داده و دیگر تا هنگام وفات تکرارش نکرده است». ابن حبان در مقدمه کتابش هدف از این تقسیم را بیان داشته، و از جمله اهداف اصلی این تقسیم را چنین ذکر نموده که وی می‌خواسته شخص استدلال کننده از مقصود حدیث خارج نشود، برای همین همچنین برای هر حدیثی در این کتاب یک عنوان قرار داده است. وی در مقدمه‌اش می‌گوید: «زیرا هدف ما از تنويع سنن اظهار دو چیز بوده است: یکی خبری

آن سوی کمتر دیده شده اهل حدیث |

است که ائمه درباره اش و درباره معنایش بحث و اخلاف کرده اند، و دیگری عموم خطاب است که برای بسیاری از مردم معنایش دشوار بوده و مقصد از آن برایشان محل اشکال بوده است».

اما هدف دوم این بوده که طلاب علم، سنت را در سینه های خود حفظ کنند و فقط بر کتاب تکیه نکنند، زیرا طبیعت این تقسیم باعث آسانی حفظ کتاب و سهولت رسیدن سنن و احادیث بر حسب انواع آن می باشد. وی این را به حفظ قرآن تشبیه نموده که بر حسب سوره تقسیم شده است، بنابراین هر نوع به ازای یک سوره است و هر حدیث به مانند یک آیه.

وی در کتابش می نویسد: «این ترفندی است که به کار برده ایم تا مردم سنن را حفظ کنند» و علاوه بر آن گاه ابن حبان برخی از احادیث را شرح می دهد یا به بیان مورد مشکل یا توهم تناقض پرداخته و با بیان ادله درباره اش به مناقشه می پردازد که نشانگر رسوخی علمی و فقهی اوست نه آنکه وی صرفاً یک ناقل و جامع احادیث باشد. مورد امام ابن حبان نشانگر یک نبوع علمی

آن سوی کمتر دیده شده اهل حدیث |

اسلامی است که هنوز چنانکه درخور است مورد بررسی و پژوهش قرار نگرفته است.

احناف پیش از آنکه اهل رای باشند، اهل حدیث و اثرند

دوست دارم این بحث را با اشاره به اشتباهی به پایان برسانم که در مجامع ناآشنا با علم و پژوهش منتشر است. برخی از مدعیان عقلانیت و روشنگری ائمه احناف را به این اعتبار که «اهل رای» هستند و در برابر «اهل حدیث» یا «اهل اثر» که به گمانشان صرفاً به نقل وابسته‌اند، موضعی «عقلانی» دارند ستایش می‌کنند. اما حقیقت این است که مهم‌ترین عناوینی که از امام ابوحنیفه نعمان و دو یارش محمد بن حسن شیبانی و ابویوسف قاضی رسیده در همین زمینه یعنی «اثر» است. بلکه عناوین مهم‌ترین کتاب‌هایشان همین است. هر کس کتاب «الآثار» امام ابویوسف قاضی یار ابوحنیفه را بخواند خواهد دید که این کتاب در واقع آثار روایت شده از امام ابوحنیفه نعمان است که یا احادیث پیامبر - صلی الله علیه وسلم - است یا آثار برخی از صحابه و سلف، بنابراین کتاب فوق چنانکه از نامش پیداست همه‌اش آثار

آن سوی کمتر دیده شده اهل حدیث |

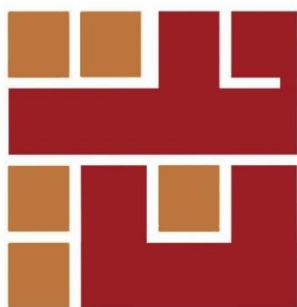
است. همین چیز درباره کتاب «الآثار» یار دیگر امام ابوحنیفه یعنی محمد بن حسن شیبانی صادق است. او نیز این «آثار» را از امام ابوحنیفه روایت کرده است.

زیرا امام ابوحنیفه از امامانی است که آثار وارده از صحابه رضوان الله علیهم را بسیار گرامی می داشت و از آن پا فراتر نمی نهاد، تا چه رسد به پیروی از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از جمله سخنانی که از ایشان به جای مانده آنطور که ابن حزم در «الإحکام» آورده این سخن است که: «هرچه از الله متعال بیاید بر سر و چشمان، و آنچه از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نقل شود سمعا و طاعه، و آنچه از صحابه رضی الله عنهم برسد از آن برمی گزینیم و از دایره آنان خارج نمی شویم، و آنچه از تابعین برسد پس آنان رجالی هستند و ما رجالی». ایشان سنن و آثار صحابه را گرامی می داشت و چیزی بیشتر از اینکه وی از آنان روایت نموده و شاگردانش این روایات را حفظ و نقل کرده اند و فقهایشان را بر آن بنا کرده اند دال بر این بزرگداشت نیست.

آن سوی کمتر دیده شده اهل حدیث |

این متن پرتوهایی بود خلاصه بر جوانبی از روش اهل حدیث و کتب و مَدَوَّنات سنت که برای برخی از مردم پوشیده است، و این نیست مگر به سبب برخی ادعاهای سطحی که خواهان کم کردن شان و مقام اهل حدیث و آثار به جای مانده از آنان و خدمات گرانبهایی است که به امت مسلمان تقدیم داشته‌اند و نشان دادن آنان به عنوان ناقلانی که هیچ ویژگی خاصی ندارند جز حفظ احادیث و سند آن. آشکار است که چنین ادعایی از اساس غلط است و تنها از ناآگاهان سر می‌زند. این باعث می‌شود جوانان مسلمان را تشویق کنیم که فوراً و با شنیدن هر ادعایی آن را نپذیرند، بلکه برای کسانی که امید به خیزش و رشد این امت دارند واجب است در پژوهش و مطالعه و علم‌اندوزی مهارت یابند تا خود به حقایق مورد دست یافته و عقلشان را به کسانی که ارزشی برای روش علمی قائل نیستند تقدیم نکنند.

آن سوی کمتر دیده شده اهل حدیث |



مرکز مطالعات متین

www.MatinStudies.com

t.me/MatinStudies

facebook.com/MatinStudies

Instagram.com/Matinstudies

X.com/Matinstudies